

نقش کلیسا در شکل گیری مطالعات اسلامی در اندلس

مهری سادات هاشمی دولابی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Mehrisadat.hashemi@gmail.com

مهروز بهروزی

استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mehrnaz_behroozi@yahoo.com

محمد سپهری

استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۴ - صفحه ۶۰-۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۵

چکیده

با وجود پژوهش های انجام شده درباره ی مطالعات اسلامی و چگونگی شکل گیری آن، با توجه به گستردگی موضوع، ناگفته های بسیاری درباره ی مسئله ی مورد پژوهش وجود دارد. هدف از این پژوهش بررسی نقش کلیسای مسیحی یا توجه به اهداف آن، در ظهور مطالعات اسلامی در اندلس است. به این منظور، منابع توصیفی و مآخذ تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت تاریخی و توصیفی- تحلیلی است. نتایج حاصل از داده های اسنادی بیانگر این است که فتح اندلس سرآغاز دوران تازه ای از تحول در نظام اجتماعی شبه جزیره ی ایبری بود. پس از فتح اندلس، با ادامه ی روابط مسلمانان و مسیحیان در قرن های بعد، تاثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر زندگی مذهبی و اجتماعی مسیحیان، اسباب نگرانی کلیسا را فراهم کرد. آشنایی با راه های متوقف کردن حرکت پیش رونده ی اسلام در مقابل مسیحیت، شناخت از اسلام رادر دستور کار کلیسا قرار داد. با فتح طلیطله و پیدایش نهضت ترجمه زیر نظر کشیشان و گسترش آن، مطالعات اسلامی در اروپا شکل گرفت.

واژگان کلیدی: مطالعات اسلامی، مسلمانان، مسیحیان، اندلس، کلیسای مسیحی.

مقدمه

مطالعه درباره ی اسلام، همواره از سوی غرب مورد توجه بوده است. این مطالعات را می توان گزینه ی تکمیل یافته ی شرق شناسی از یک طرف و مطالعات مذهبی از طرف دیگر دانست. آن چه ما امروز مطالعات اسلامی می نامیم، از شرق شناسی ناشی می شود که در قرن های اخیر در اروپا و ایالت متحده به یک رشته توسعه یافته علمی تبدیل شده است. از جهتی دیگر، رودرویی اسلام و مسیحیت از سده ی اول هجری/هفتم میلادی، تاکنون ابعاد گوناگون نظامی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری داشته است. فتح اندلس سرآغاز دوران تازه ای از تحول در نظام اجتماعی شبه جزیره ی ایبری بود. برخورد در اندلس (اسپانیای مسلمان)، ۸ قرن به طول انجامید و در نیمی از این زمان، مسلمانان و مسیحیان جز در زمینه ی نظامی، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با یکدیگر تماس بسیار داشتند. این تماس ها همراه با گسترش اسلام و روحیه ی تساهل مسلمانان، به نوعی همزیستی منجر شد که در نتیجه ی آن زبان عربی به عنوان زبان فرهنگ انتخاب شد. تمدن اسلامی، ابتدا به عنوان یک عامل جذاب و سپس گسترش اسلام به عنوان یک عامل نگران کننده، دنیای مسیحی را به خود جلب کرد. متوقف کردن حرکت پیش رونده ی اسلام در مقابل مسیحیت، شناخت از اسلام را در دستور کار قرار داد. جنبش بازپس گیری، راه حل مسیحیت در مقابل اسلام بود. پس از آغاز جنبش بازپس گیری و فتح طلیطله (تولدو) به وسیله ی مسیحیان، کتابخانه ها و منابع علمی اسلامی - یونانی در اختیار فاتحان قرار گرفت. شناخت دین اسلام، انگیزه های تبشیری، اقتصادی و علمی، زمینه های مطالعه ی مسیحیان از مسلمانان و فرهنگ آنان را، فراهم کرد. به کارگیری مستعربان و یهودیان که زبان عربی می دانستند، به عنوان عوامل واسطه، به وسیله ی کشیشان مسیحی و با حمایت همه جانبه ی آنان، حرکتی وسیع به نام نهضت ترجمه ی تولدو را پایه ریزی کرد که قرن ها دوام یافت. برنامه ریزی برای جنگ های مقدس، حمایت از فاتحان و گسترش همه جانبه ی فعالیت های ترجمه به وسیله ی کشیشان و جریان تفتیش عقاید پس از بازپس گیری شهرهای اندلس، ثابت کرد که کلیسا با ایجاد سیاست های تبشیری، تربیت و بکارگرفتن کشیشان نقش موثری در شکل گیری مطالعات اسلامی داشته است. قاسم رزاقی موسوی، در مقاله ای با عنوان

درآمدی بر شرق شناسی و مستشرقان، گذری کوتاه بر حضور کلیسا در شکل گیری مطالعات اسلامی دارد، همچنین محسن الویری در کتاب مطالعات اسلامی در غرب، به موضوع مطالعات اسلامی پرداخته است. این کتاب نگاهی به مفهوم امروزی مطالعات اسلامی است، چه مطالعاتی که با انگیزه‌ی سیاسی صورت گرفته و چه با انگیزه‌های علمی و اقتصادی. مولف تا حد امکان به مفهوم، ریشه‌ها، سیر تحول و ابعاد و روش‌های مطالعات اسلامی در غرب و تاثیر آن در محیط‌های اسلامی شرقی پرداخته است. درباره‌ی نقش کلیسا در شکل گیری مطالعات اسلامی نیز، مطالبی به طور خلاصه ذکر شده است که راهنمای نویسنده‌ی این پژوهش قرار گرفته است.

۱. مطالعات اسلامی

در چند دهه‌ی پایانی سده‌ی بیستم شرق شناسی به اصطلاحی عمومی و گاه تحقیر آمیز در مطالعات فرهنگی گفته می‌شد. ادوارد سعید در کتابش نخستین تعریف انتقادی از این اصطلاح را این گونه ارائه کرده است. گونه‌ای از اندیشیدن و نوشتن توسط گفتمان غربی در قالب ایدئولوژیکی درباره‌ی مردم و فرهنگ‌های شرق و تقلیل دادن جایگاه آن‌ها در قیاس با کمال و برتری اروپایی. در این نگاه شرقی‌ها مردمانی عجیب و غریب، فاسد، غیر فعال، متعصب، مرموز و تا اندازه‌ای غیر متمدن هستند و در مقابل فرد اروپایی، انسانی منطقی، با فضیلت، پخته است که به منظور مطالعه، قضاوت، انضباط بخشیدن و بالاخره تحت اداره و حکومت درآوردن باید مورد مطالعه قرار بگیرند (سعید، ۱۳۸۹، ۷۸). شرق شناسی گفتمانی است که شرق غریبه، احساسی و بیگانه را به عنوان پدیده‌ای قابل درک و فهم در درون شبکه‌ای از طبقات، جداول و مفاهیم معرفی کند که به وسیله‌ی آن شرق به طور همزمان تعریف و کنترل می‌شود (ترنر، ۱۳۸۱، ۵۵).

می‌توان گفت که تاریخ استشرق در مرحله‌ی اول، همان تاریخ منازعه‌ی جهان غرب مسیحی در قرون وسطی با شرق اسلامی در دو حوزه‌ی دینی و ایدئولوژیک است. چنان که این فرضیه را ایجاد کرد که اسلام در تمام زمینه‌ها معضلی فراگیر برای جهان مسیحیت بود (زقزوق، ۱۳۹۲، ۳۴).

سنگ اصلی رابطه ی نوین شرق شناسی، در حمله و تصرف مصر به وسیله ی ناپلئون در سال ۱۷۹۸ میلادی، گذاشته شده بود. زیرا با اشغال مصر به وسیله ی ناپلئون، اقداماتی بین شرق و غرب به جریان افتاد که در آن مصر و سرزمین های اسلامی دیگر به عنوان یک حوزه و رشته ی زنده، لابراتوار و یا صحنه ی نمایش دانش غرب در مورد شرق دیده شدند (سعید، ۱۳۸۹، ۸۲) اما بررسی اسلام برای اهداف تبشیری در قرن دوازدهم و در زمان پیتر مقدس (۱۰۹۴-۱۱۵۵م)، رئیس فرقه ی کلونی در اسپانیا، آغاز شد. این حرکت مصادف با آغاز جنگ های صلیبی و همچنین اصلاحات بزرگ در آیین صومعه نشینی بود که تا آن زمان نهاد اصلی تعلیم مسیحی به شمار می رفت. در سال ۱۱۴۲م که پیتر رئیس دیر کلونی شد، در پوشش بازدید از صومعه های کلونی سفری به اسپانیا انجام داد. او در این سفر با بکارگیری چندین مترجم و محقق برای بررسی جدی و سیستماتیک اسلام، پروژه ی گسترده و بزرگی را به عهده گرفت (سی مارتین، ۱۳۷۷، ۲۰). در قرن چهاردهم میلادی با تاسیس انجمن کلیسای دین توسط چند تن از استادان دانشگاه، شرق شناسی به عنوان یک سیستم دانش پژوهی اولین بار به منظور ارتقای درک فرهنگ و زبان شرقی پدیدار شد. محرک اصلی شرق شناسی، تجارت، رقابت های بین مذهبی و کشمکش نظامی بود. (ترنر، ۱۳۸۱، ۷۸). از ۱۹۷۳م تغییر نام از شرق شناسی به مطالعات شرقی دوره نوینی از نگاه به شرق شناسی را به همراه داشت.

پذیرش اسلام به عنوان یک دین الهی در ۱۹۶۵م زمینه را برای رهیافتی نو به مطالعات اسلامی فراهم آورد. مطالعات اسلامی یک پل از شرق شناسی به مطالعات دینی بود که مطابق آن نسل بعدی محققان می توانستند راحت تر حرکت کنند (Ernest&Martin, 2017, 5). بنابراین مطالعات اسلامی عنوان نسبتاً جدیدی است که زمان بسیاری طول کشید تا به یک رشته ی مجزای علمی تبدیل شد. مطالعات اسلامی، در بسیاری از دانشگاه ها، زیر مجموعه ی مطالعات کتاب مقدس یا زبان عبری بود و حتی در برخی از دانشگاه ها هنوز هم به همین صورت است. (حورانی، ۱۳۸۷، ۱۰۱، ۶۶). از ابتدا تا کنون، در طول تاریخ هزار ساله ی مطالعات اسلامی، پژوهش های مستشرقان، بر روی اسلام شناسی، بررسی و شناخت قران، سنت، حدیث، زندگی

وسیره پیامبر اکرم(ص)، خلفا و ائمه معصومین، نقاط آسیب پذیر دین اسلام و امت مسلمان متمرکز بوده است.

۲. اسلام در اندلس

الاندلس، لغتی عربی بود که به اسپانیای مسلمان اشاره می کرد. این کلمه بر تمامی شبه جزیره ی ایبریا^۱ و بخش بزرگی از لاندوگ^۲-روسیون^۳ دلالت داشت، در حالی که در ۸۸۵/۱۴۸۰م ایالت های فعلی مالاکا^۴(مالقه)، گرانادا^۵ (غرناطه) و المریا^۶ (المریه) را شامل می شد. این سرزمین به شکل مثلث و یکی از ممالک سه گانه ی روم است. این سه مملکت به هم پیوسته، قسطنطنیه، رومیه و اندلس اند (ابوالفداء، ۱۳۴۹، ۲۱۵). مسلمانان از آغاز ورود به اسپانیا، آن را اندلس نامیدند و این نام را رواج دادند. آن ها این نام را بر همه ی بخش های تابع حکومت اسلامی اطلاق می کردند. اصل این واژه به کلمه ی واندالیسیا^۷ باز می گردد که ژرمن های واندال آن را به سرزمین بیتیکا اطلاق کردند(نعنعی، ۱۳۹۰، ۸۸).

حمله به اندلس از لحاظ سرعت اجرا و توفیق کامل در تاریخ جنگی قرون وسطی مقامی برجسته دارد(حتی، ۱۳۸۰، ۶۳۳). موسی بن نصیر که از سال (۶۹۹/۵۸۰م) والی آفریقا بود، رومیان شرقی را از ناحیه ی مغرب کارتاژ^۸ بیرون راند و تا سواحل اقیانوس اطلس پیش رفت و راه اسلام را برای حمله به اروپا هموار کرد. او در سال (۷۱۱-۹۲) طارق بن زیاد^۹ را با مردانی که بیشترشان

۱. IBERIA PENINSULA^۱

۲. LANDOOG^۲

۳. ROSION^۳

۴. MALAGA^۴

۵. GRANADA^۵

۶. MAEYA^۶

۷. VANDALICIA^۷

۸. CARTAG^۸

۹. TARIQ IBN ZIAD^۹

بربر بودند به اسپانیا فرستاد که به پیروزی مسلمانان انجامید (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰، ۲۰۷؛ مراکشی، ۲۰۰۶، ۱۸).

در سال ۹۲ هجری طارق بن زیاد وارد اندلس شد و پس از فتح شهر استجه با لشگر خود به سوی طلیطله (تولدو) پیش رفت (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ۲۷۹۳). ارتفاعات اندلس و جبال سیرامونا ۱۰ (جبل الشارات) که مرز میان اندلس و قشتاله (کاستیل) است به راهنمایی یولیان ۱۱ و یارانش در نوردید. او توانست شهرها را بدون مقاومت چندانی تصرف کند. تعدادی از مردم مهاجرت کردند، تعدادی به طارق پیوستند و امتیازهایی به دست آورد (Cell, 1914, 11).

سپس طارق بر طلیطله (تولدو) مستولی شد و جان آن گروه از مردم را که در شهر مانده بودند، امان داد و چند کلیسا برای شان باقی گذاشت. کشیشان را در اجرای مراسم دینی خود آزادی داد و به مسیحیان گوتی و رومی نیز اجازه داد که شعائر دین و مراسم مذهبی خود را برپا دارند، فرمانروایی شهر را نیز به "اوپاس" مطران سابق سپرد (ابن عذاری، ۱۹۸۰م، ۱۳/۲).

فتح عرب ها از بعضی جهات برای مردم اسپانیا سودمند بود، زیرا نفوذ طبقات اشراف و رجال دین را در هم شکست. همین طور به مسیحیان اجازه داد در املاک خویش تصرف کنند و این کاری بود که ویزگوت ها اجازه ی آن را نمی دادند (Dozy, 1913, 238). کشاورزان از تغییر اوضاع شکایتی نداشتند، آن ها املاک خود را در اختیار داشتند و باید جزیه پرداخت می کردند که اگر اسلام می آوردند بخشیده می شد (Cell, 1914, 13). کشاورزینیز، بعد از ورود مسلمانان به اندلس، رونق گرفت و بازرگانی گسترده شد. توجه مسلمانان به کشاورزی سبب شد، اهالی اسپانیا به کشاورزی تبدیل شدند که تا حدی از استقلال برخوردار بودند. در زمانی که در غرب مشکلات دهقانی وجود داشت که زمینه ی بروز جنگ های صلیبی شد، آن ها آزاد بودند تا روش های خود را در کشاورزی به کار گیرند (Dozy, 1913, 236). مسلمانان نظام گوت را که کشاورزان را به عنوان برده تلقی می کرد، لغو کردند و همین خود سبب بهبود اوضاع شد

۱' SIRAMONA.

۱۱' ULLIAN.

(ذوالنون طه، ۱۳۹۱، ۹۶). در نیمه ی قرن دوم هجری، پس از دوره ی حکومت والیان، عبدالرحمن الداخل^{۱۲} (۷۸۸-۷۳۰م) اولین امیر اموی، در اندلس به حکومت رسید و قرطبه را مقر حکومت خویش قرار داد. قرطبه از بزرگ ترین شهرها و محل اقامت خلفا، شهر علم و مرکز اندلس بود (مقری، ۱۹۶۸، ۱/۴۵۹). علاوه بر آن بازارهای زیبا و پررونق، هتل های زیاد و محله های تمیز در آن وجود داشت (ابن حوقل، ۱۹۳۸، ۱/۱۱۱). عبدالرحمان با درک اوضاع اجتماعی و وضعیت آن روز اندلس، کوشید تا وحدت را میان امت اسلامی در اندلس ایجاد کند و برای پایداری حکومتش باقی مانده ی امویان شرق را به نزد خود خواند تا او را در اداره ی دولت یاری دهند (ابن عذاری، ۱۹۸۰م، ۲/۴۹).

عبدالرحمن دوم^{۱۳} (۸۵۲-۷۹۲م) از دیگر امرای اموی اندلس بود که وارث کشوری پهناور، باثبات و آرامش شد و دستاوردهای تمدنی، علمی و سیاسی او بسیار بود. حملات نورمان ها و لزوم حمایت از اغلیبان در فتح جزیره ی سیسیل عبدالرحمن دوم را بر آن داشت تا نیروی دریایی خود را بازسازی و یک ناوگان جنگی تاسیس کند. او دستور داد شبکه ای از کارگاه ها و کارخانه های کشتی سازی را با بودجه ی دولتی بسازند (ابن قوطیه، ۱۳۷۸، ۸۴).

عبدالرحمان الناصر^{۱۴} (۹۶۱-۸۹۱م) از سلاطین با کفایتی بود که از هوش و ذکاوت دیگران بهره می جست و توجه زیادی به بهداشت شهر ها داشت. آب انبارهای بسیار پاکیزه در شهر ها بنا کرد و جاده ها را مرمت نمود. باتلاق ها را خشکاند (مقری، ۱۹۶۸، ۱/۲۷۵) و این کاری بود که هفت قرن بعد در اروپا رواج یافت. بیمارستان های زیادی بنا نمود و دانشکده پزشکی برپا داشت. او پل مشهور طلیطله را تعمیر و بازسازی کرد و خانه ی مقابل آن را پایگاه کارگزاران و کارمندان دولت قرار داد (ابن حیان، ۱۹۷۳، ۵/۳۲۰).

حکم دوم (۹۷۶-۹۱۵م)، شخصا مردی دانشور بود و در پایتخت ۲۷ مدرسه بنیاد کرد که در آن جا تعلیم رایگان بود (ابن عذاری، ۱۹۶۸، ۲/۲۵۶). در زمان او دانشگاه قرطبه که عبدالرحمان

۱۲. ABD AR-RAHMAN I

۱۳. ABD AR-RAHMAN II

۱۴. ABD AR-RAHMAN III

اول در مسجد بزرگ قرطبه بپا کرده بود و بنیاد آن از الازهر قاهره و نظامیه ی بغداد جلوتر بود، به صف تعلیماتی جهان مقامی بلند یافت و دانش طلبان مسیحی و مسلمان نه تنها از اسپانیا بلکه از نواحی مختلف اروپا و آفریقا و آسیا به آن جا می آمدند(حتی، ۱۳۸۰، ۶۷۸). در پایتخت و پیرامون قصر حکم، شماری از دانشمندان بزرگ، در سایه ی حمایت او زندگی می کردند. توجه او به دانشمندان مسلمان محدود نمی شد بلکه پیروان دیگر ادیان نیز مشمول حمایت او شدند. تجارت نیز در قرن دوازده و سیزده میلادی رونق گرفت. روابط مسلمانان و مسیحیان اروپایی تنها به جنگ مقدس، جنگ های صلیبی و جهاد منحصر نمی شد. در این میان اندیشه ها نیز مبادله می شد و مسیر آن ها قاعدتا از سرزمین های اسلامی به قلمرو مسیحی بود (حورانی، ۱۳۸۷: ۱۲). مهمانخانه ها و مهمانسراها ساخته شد. راه دریا به برکت فانوس دریایی و تهیه ی نقشه ی دریایی و استفاده از قطب نما گسترش یافت. بعضی از فرقه های مذهبی مانند فرقه ی نگهبانان معبد از برکت رونق تجارت به شغل صرافی پرداختند. تقاضای بازارهای اروپایی به عنوان یک عامل جذب صنعتگران و بازرگانان به اسپانیا عمل کرد و آنان را به شهر های تجاری اندلس فراخواند (Glick, 2005, 222). در میان مسیحیان بازرگانانی بودند که از راه تجارت داخلی و خارجی ثروت های کلان به دست آوردند و در اطراف امیران و موافقت کامل با بورژوازی اندلس زندگی می کردند(نعنعی، ۱۳۸۶، ۲۰۹).

۳. توجه کلیسا به گسترش فرهنگ اسلامی

در اروپا، در قرون وسطی، کلیسا بیشترین نفوذ را داشت. زیرا دین مسیح، دین رسمی امپراتوری روم بود و به واسطه ی سازمان کامل و متمرکزی که داشت، اختیارات نامحدود داشت. نوآوری مخصوص جمع بسیار کوچکی از رجال و هدفش تامین آموزشگاهی برای پرورش مدیران و دولتمردان مورد نیاز سلسله ی روحانی کارولنژیان بود. گذشته از تامین مدیر برای دولت و کلیسا، جنبش فکری دوره ی کارولنژیان نه شوقی به نشر افکار تازه از خود نشان می داد، نه علاقه ای به استفاده از ابزارهای فکری تازه به دست آورده شده داشت و نه گرایشی به بیش

عمومی آنان. راهبانی که در اتاق‌های استنساخ ۱۵ صومعه‌ها به کار توانفرسای نسخه برداری از کتاب‌ها مشغول بودند، چندان علاقه‌ای به محتوای آن‌ها نداشتند. چیزی که برای ایشان بیشتر اهمیت داشت، زحمتی بود که می‌کشیدند و زمانی بود که صرف می‌کردند. آن‌ها این کار را به عنوان عذابی تحمل می‌کردند تا به بهشت بروند. از چشم این مسیحیان، علم دینه‌ای بود که باید با هوشیاری از آن پاسداری می‌کردند (لوگوف، ۱۳۷۶، ۲۱). در عین حال، رهبانیت که شکل تحریف‌شده‌ی تعالیم مسیح بود، راه هر گونه پیشرفت و توسعه‌ی فکری را مسدود کرده بود. در همین دوران بزرگ‌ترین و عالی‌ترین تمدن جهان در همسایگی اروپا مراحل رشد و شکوفایی خود را طی می‌کرد. زمانی که شهرت رهبانیت‌گرایی به شدت رشد یافته بود، پدیده‌ی موازی آن در عالم اسلام، ظهور طبقه‌ی علما و دانشمندان مذهبی بود که اعضای آن را مردانی از گروه‌های مختلف تشکیل می‌دادند. سازمان اجتماعی راهبان با تشکیلات علما تفاوتی مهم داشت. صومعه‌ها و دیرهای مسیحی مکان‌های آرمانی بود که افراد آن با دعا و نیایش از جامعه‌ی گناه آلود کناره‌گیری می‌کردند. در حالی که در اسلام، هدف مهم علمای مذهبی، جمع‌آوری سخنان منسوب به پیامبر اعظم (ص) بود که به خاطر آن به سفر می‌رفتند و در عین اجتناب از گناه و پرداختن به اموری از قبیل شب‌زنده‌داری و روزه‌های ممتد، به زندگی خانوادگی اهمیت می‌دادند (بولییت، ۱۳۸۶، ۴۵).

در عصر امویان دگرگونی قابل توجهی در تمدن اسلامی روی داد. گروه‌های بیشماری که از نژاد عرب نبودند به اسلام روی آوردند و با عرب‌ها درآمیختند. بنابراین اقوام عرب با سوری‌ها، یهودی‌ها، مصری‌ها، بربرها و حتی یونانی‌ها درآمیختند و قوم تازه‌ای که از گوناگون‌ترین عنصرها ترکیب شده بود به وجود آمد. پس از گشوده شدن اسپانیا، حالت واپس‌مانده و ولایتی زندگی اسپانیایی به سرعت دگرگون شد. شهرهای قرطبه، طلیطله و غرناطه به مراکز شکوفایی تبدیل گردید. جمعیت افزایش یافت و شهرها از لحاظ وسعت و ثروت عمومی به سرعت رو به رشد نهاد (لوکاس، ۱۳۶۶، ۳۶۶). اختلاط نژادی حاصل این همزیستی و ازدواج‌ها

۱۰. Scriptorium

دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی فراوانی در این منطقه بوجود آورد و زمینه ساز پیچیدگی های فرهنگی در باورها و رفتارهای نژاد های ساکن در اندلس شد. میزان تغییر مذهب بعد از تماس مسلمانان با غیر مسلمانان افزایش یافت. این امر در افزایش جمعیت مولدان ۱۶ نشان داده می شود. اکثریت آن ها طی دو قرن اول مسلمان شدند و کمتر از بیست در صد تا اواسط قرن نهم اسلام آوردند. در نسل های بعد جذابیت اسلام بیشتر شد و روی آوردن به اسلام افزایش یافت (Tieszen, 2013,26). جوانان مسیحی فریفته ی عظمت مادی و معنوی مسلمانان قرطبه (کوردوبا) شده بودند، مخصوصا زمانی که مسلمانان در زمان عبدالرحمان دوم از حیث مظاهر ادبی و هنری به سبب علاقه ی او به شعر و فلسفه پیشرفت بسیار حاصل کرده بودند. در این زمان آن ها به زبان عربی می نوشتند و زبان و ادبیات لاتین را تحقیر می کردند و این امر برای مسیحیت خطر بزرگی بود (عنان، ۱۳۸۰، ۲۸۸/۱). همچنین برخی از مسیحیان استفاده از زبان لاتین و رمانس را ندیده گرفتند و زبان عربی آموختند که آن ها را مستعرب نامیدند. ۱۷. به نظر می رسد حتی تشخیص بسیاری از مسیحیان از مسلمانان در قرن نهم میلادی در قرطبه از روی ظاهر دشوار بود. مسیحیان می توانستند در نظام اسلامی همکاری کنند و در قرطبه میزان بالایی از همبستگی اجتماعی میان مسلمانان و مسیحیان وجود داشت (Tieszen, 2013,31). احترام مسلمانان به عقاید عموم مسیحیان، موجب شد اختلافات مذهبی و فرقه ای مسیحیان که پیش از ورود مسلمانان در میان آنان وجود داشت از میان برود. حتی در زمینه ی قوانین مدنی، والیان اسلامی، ساکنان اصلی اندلس را از رحمت و تسامح محروم نکردند، بلکه نوعی خودمختاری، شبیه آزادی تمام عیار به آنان دادند. عبدالرحمن الداخل زمانی که مرکز حکومت را از طلیطله به قرطبه، انتقال داد، در یک اقدام قاطعانه کلیسای سن و نسان ۱۸ را تبدیل به مسجد کرد و نیمی دیگر از آن را برای استفاده مسیحیان باقی گذاشت. این نشانه ی تردید ناپذیر تساهل مذهبی بود. (Hillenbrand, 1991,115)

^{۱۶}. توضیح

. MOZARAB^{۱۷}

. S. VICENTE^{۱۸}

شرایط فرهنگی در اندلس، امکان یادگیری در شاخه های مختلف را فراهم کرده بود. مدارس متعددی تاسیس شده بود، کتاب های زیادی نسخ شده و هنر شکوفا بود. بیشتر مردم سواد داشتند و ادارات که نمونه ای از ادارات اسلامی بودند، در شهر های اندلس مانند قرطبه، اشبیلیه و طلیطله ساخته شدند (Holilovic, 2017, 69). جذابیت و گسترش اسلام، اسباب نگرانی کلیسا را فراهم ساخت و روحیه ی اسلام ستیزی را در آنان تقویت کرد. کلیسای مسیحی برای متوقف کردن این حرکت رو به گسترش به دنبال چاره بود. در زمان حکم اول، آلوارو^{۱۹} کشیشی قرطبی، از این حرکت که جوانان مسیحی به اشعار عربی علاقه مند بوده و بسیاری از آنان از کتاب مقدس و حتی زبان لاتین بی خبر بودند، ابراز نگرانی شدید کرد (Tolan, 2002, 86). اسپریندو^{۲۰} نیز از راهبان صومعه ی سنت ژولیوس در قرطبه (کوردوبا) بود. او از گروه مسیحیان به فرهنگ عربی اسلامی سخت نگران بود و تلاش می کرد تا شور مذهبی را در هم کیشان خود برانگیزد. این واکنش ها در سال (۲۳۶هـ / ۸۵۰م) به اوج خود رسید و حرکتی توان فرسا را در برابر حکام مسلمان به بار آورد (رزم جو، ۱۳۹۲، ۴۶). در زمان عبدالرحمن دوم، گروه کوچکی از مسیحیان به تحریک یک کشیش تارک الدنیا به نام اولوخیو^{۲۱}، محکومیت مرگ را به جان خریدند و جنبشی به نام شهادت طلبی به راه انداختند. آنان در ملاء عام به پیامبر اسلام (ص) دشنام و لعن می دادند و به نکوهش دین اسلام پرداختند. هرچند مقامات اسلامی نمی خواستند دست به خشونت بزنند، اما این خواستاران مرگ راهی برای آنان باقی نگذاشتند. عبدالرحمن در (۲۳۸هـ / ۸۵۲م) مجلسی ترتیب داد و از مسیحیان خواست با توجه به این که نتایج این اتفاق گریبان مسیحیان را خواهد گرفت، در این باره تصمیم بگیرند. کشیش های مسیحی این اقدام را محکوم کردند و بعد از آن ریکافرد سراسقف شهر اشبیلیه (سویل)، بر این امر تاکید کرد که از این پس قیام برای شهادت ممنوع بوده و دیگر شهادت نیست بلکه نوعی خودکشی است (عنان، ۱۳۸۰، ۲۹۴/۱).

۱۹. ALVARO

۲۰. ESPERINDO

۲۱. EUIOGIUS

سال (۲۳۶هـ/ ۸۵۰م) خاموش شد، گرچه تاثیرات آن تا سال ها در روابط مسلمانان با مسیحیان اندلس و حکومت های مسیحی باقی ماند. در این حرکت بیش از ۵۰ نفر کشته شدند که بیشتر از راهبان و کشیشان بودند (Tolan, 2002, 88). رودریگو خیمنز درادادا (۱۲۴۷-۱۱۹۳م) اسقف اعظم طلیطله به تدوین تاریخ ویزگوت ها و اعراب در اسپانیا پرداخت و در آن همه ی همت خویش را صرف وارونه سازی وقایع تاریخی کرد. او همچنین مارکوس طلیطلی ۲۳ (۱۱۹۳-۱۲۱۶) را مامور کرد تا ترجمه ی مخدوشی از قران تهیه کند و این کار را به عنوان موثر ترین وسیله برای مقابله با اسلام ادا کرد. رودریگو در جنگ های بازپس گیری نقش برجسته ای در مقابل موحدون داشت.

در قرن دوازده میلادی تصور می شد دو سوم دنیا را مسلمانان گرفته اند. هر جا که دین اسلام متناقض با مسیحیت بود، دروغ شمرده می شد. بنابراین طراحان کلیسا به دنبال راه حلی برای کم رنگ کردن فرهنگ اسلامی به تقویت بنیه ی علمی کشیش ها پرداختند و به منظور متوقف کردن حرکت گسترده ی اسلام، تقویت جنبش بازپس گیری مورد تایید کلیسا قرار گرفت و پاپ مسئولیت هدایت آن را پذیرفت.

۴. جنگ های صلیبی اندلس، راه رسیدن به هدف

از قرن های اولیه ی ورود مسلمانان به شبه جزیره ی ایبری و ایجاد مدارس و دانشگاه ها، جوانان و کشیش های مسیحی آزادانه در این مدارس شرکت می کردند. همچنین به جهت سیاست تساهل امرای اندلس کشیش ها به راحتی در دربار و کتابخانه ی مسلمانان آمد و رفت داشتند. نمونه های بارز آن عبارتند از: ژان دوگورز^{۲۴} راهب اهل لورن، فرستاده ی اوتون، که در سال ۹۵۶ میلادی در دربار قرطبه و نزد خلیفه پذیرفته شد، از خلیفه ی وقت، همچون فردی دارای الوهیت که تقریباً هیچ کس نزد او راهی نداشته است، یاد کرده است (کانسهوف، ۱۳۷۱، ۱۶۴). ربیع بن زید، اسقف مستعرب از نزدیک ترین مردمان به حکم دوم و خلافت او بود. در

^{۲۳} . RODRIGO JIMENZ DERADA

^{۲۳} . MARK DE TOLEDO

^{۲۴} . JEAN DE GROZE

واقع بسیاری از مسیحیان و یهودیان اندلس با استفاده از سیاست تساهل حکم دوم، برای شرکت قوی و فعال در جنبش علمی اندلس تردید نکردند و در رشته های مختلف علوم و زبان های محلی خود کتاب نوشتند (ابن قوطیه، ۱۳۷۸، ۵۷).

در کتابخانه ی شخصی سیف الدوله از بنی هود در (۱۱۱۸/۵۱۲ م) مایکل تارازونا^{۲۵} می توانست آثاری را انتخاب کند و برای ترجمه در اختیار هوگو سانتالایی یکی از قدیمی ترین مترجمان بگذارند (جیوسی، ۱۳۸۰، ۷۱۱/۲). پیتر مقدس ریاضی و زبان عربی را در قرطبه آموخت. مایکل اسکات و آدلار از باث مدتی را در مراکز علمی مسلمانان در قرطبه و طلیطله به فراگیری متون فلسفی پرداختند که بعد ها برخی از عقاید جهان اسلام به وسیله ی این دانشمندان به بریتانیا رسید (رومن، ۱۳۸۲، ۱۲). همچنین کلیسا تمام ظرفیت های خود را برای بهره برداری از نیروهایش به کار گرفت. دیر کلونی، در جنگلی که به عنوان شکارگاه استفاده می شد به وسیله ی ویلیام اول دوک آکونتین^{۲۶} برای کلیسا وقف شد. اوبه امید آن که برای آمرزش او و خانواده اش دعا کنند، این مکان را در اختیار کشیشان قرار داد. اودیلو^{۲۷} اولین کشیشی بود که ریاست کلونی را به عهده گرفت. این کلونی به تدریج تبدیل به سازمانی منظم و فشرده شد و از آن جا که با پاپ ارتباط نزدیک داشت، در دنیای مسیحیت مرکزی روحانی یافت. اگرچه کلونی ها به عنوان ترویج دهندگان ایده ی جنگ مقدس در نظر گرفته می شوند، اما در ابتدای کار عملکرد آنان صرفا معطوف به اصلاحات داخلی در مسیحیت بود و می کوشیدند مسیحیت را در شبه جزیره احیا کنند. بر این اساس مرحله ی جدیدی در جنبش بازپس گیری اندلس رقم خورد. کلونی ها نفوذ خود را در امور مذهبی اسپانیا تقویت کرده و رفته رفته بصورت جنبشی اصلاح طلبانه ظاهر شدند. مهم ترین دستاورد راهبان کلونی در اسپانیا این بود که سنت های قومی و محلی مسیحیان این منطقه را تغییر دادند و آن ها را به مدار سیاسی- مذهبی خارج از اسپانیا متصل کردند. در واقع دیر کلونی امیر نشین های پراکنده را ذیل امت واحده ی مسیحی متحد

۲۵. TARAZONA

۲۶. WILLIAM I, DUKE OF AQUITAINE

۲۷. ODILO

کرد. بعد از این اتحاد، دیری نگذشت که جنگ با مسلمانان اسپانیا حالت یک جهاد یا جنگ مذهبی به خود گرفت. سپس پاپ ها شخصا در رهبری آن مداخله کردند. پاپ الکساندر دوم^{۲۸} در (۴۵۷هـ/ ۱۰۶۳م)، فتوی داد گناهان کسانی که در اسپانیا در راه صلیب می جنگند، مورد بخشایش قرار خواهد گرفت. پاپ گریگوری هفتم^{۲۹} در (۴۶۷هـ/ ۱۰۷۳م)، شاهزادگان مسیحی را به الحاق به سپاه ابل فراخواند و خاطرنشان ساخت که کلیسای اسپانیا متعلق به پتر قدیس است و اعلام کرد که شوالیه های عیسوی مختارند سرزمین هایی را که از کافران باز می گیرند، برای خود نگه داشته و از آن ها بهره مند شوند (رانسیمان، ۱۳۶۰، ۱/۱۲۰). از این پس جنگجویان احساس کردند بخاطر مصالح شخصی نمی جنگند بلکه به خاطر خدا می جنگند و بدین نحو جنبش بازپس گیری به نحوی جدی تر عملی گردید. پاپ اینوسان سوم^{۳۰} (۱۲۱۶-۱۱۶۰م) روحیه ای سخت صلیبی داشت و این روحیه با روحیه ی پادشاهان مسیحی که در آتش کینه ی مسلمانان می سوختند، هم سو بود. از این رو پادشاه قشتاله، گرهارد، اسقف شقوییه^{۳۱}، را نزد پاپ فرستاد تا با راه انداختن یک جنگ صلیبی به او یاری رساند. پاپ به ندای او پاسخ داد و در ۱۲۱۲م کسی را نزد اسقف های جنوب فرانسه فرستاد تا رعایای خود را به یاری پادشاه قشتاله فراخواند و اعلام کرد که در عوض، گناهان هر کس را در این راه قدم بردارد می بخشد. دسته جات دینی به راه افتادند و از کلیسایی به کلیسای دیگر می رفتند و به درگاه خداوند دعا می کردند تا مسیحیان را بر مسلمانان پیروز گرداند(عنان، ۱۳۸۰، ۴/۲۰۱). سانچوی دوم^{۳۲} در (۴۲۲هـ/ ۱۰۱۴م) به همدست کردن شاهزادگان مسیحی علیه دشمن دین همت گماشت. به

. ALEXANDRE II^{۲۸}

. GREGORY VII^{۲۹}

. POPE INOCENT III^{۳۰}

SEGOVIA^{۳۱}

. SANCHO-WILLIAM^{۳۲}

این ترتیب هنگامی که دوک گاسکونی^{۳۳} برای حمله ی مشترک بر سرقسطه به سپاه سانجو پیوست حمایت و دعای خیر پاپ و دیر کلونی را به همراه داشت (رانسیمان، ۱۳۶۰، ۱۱۸/۱). در نتیجه ی این موضع گیری ها جنگ ها که هدف آن ها حمایت مسیحیت از نفوذ اسلام بود، رنگ دینی به خود گرفتند. تعبیری که برای مسلمانان به کار می رفت، «کافران» و «دشمنان صلیب» بود. از جنگ ها به عنوان جنگ صلیب یا جنگ مقدس یاد می شد. واعظان وقتی جنگجویان را به نبرد بر ضد کافران و دشمنان تشویق می کردند بر این موضوع اساسی تاکید داشتند که گناهان کسانی که در جنگ حضور داشته باشند یا کمک مالی کنند، آمرزیده خواهد شد. آنان بر این موضوع تاکید می کردند که خداوند مسیحیان اسپانیا را زیر سلطه ی مسلمانان قرار داد تا بطور موقت آن ها را بخاط گناهانشان تنبیه کند (رزم جو، ۱۳۹۲، ۸۶). حتی جنگ هایی که جنبه ی مذهبی هم نداشتند، ظاهر دینی به آن ها داده می شد (عنان، ۱۳۸۰، ۱۸۵/۱).

مسئله ی بعدی که توسط راهبان و کلیسا برای مقابله با اسلام در نظر گرفته شد، مسئله زیارت بود. در آغاز قرن دوازدهم میلادی، دیر کلونی در بورگاندی، اهمیت فوق العاده ای برای اروپاییان پیدا کرد. این مرکز شامل هزاران صومعه در ۶۰۰ استان در سرزمین های مسیحی غربی شد. راهبان این صومعه ها تبدیل به پاپ ها و کاردینال هایی شدند که مشاور امپراتوران و حاکمان بودند (Kritze, ۱۹۶۴, ۳۹). برپایی صومعه ی کلونی به منزله ی تشکیل موسسه ای بود که وظیفه ی آن علاوه بر نظم بخشیدن به فعالیت های کلیسایی، این بود که زیارت مسیحیان از اماکن مقدس را سامان دهد و بدین سان دارای تشکیلات گسترده ای شد (رانسیمان، ۱۳۶۰، ۱۱۹/۱).

با مطرح شدن داستان قدیس یعقوب، کلیسا توانست از آن به عنوان ابزاری جدید برای تثبیت موقعیت خود استفاده کند. با ساختن کلیسای بزرگ سانتیاگو دی کامپوستلا^{۳۴}، حاکمان

GASCONY^{۳۳}

. SANTIAGO DE COMPOSTELA^{۳۴}

مسیحی موفق شدند توجه پیروان مسیح را از سراسر اروپا به کلیسای شنت یاقب^{۳۵} جلب کنند و از کمک های آنان برخوردار شوند. بدین گونه، این کلیسا بعد از معابد اورشلیم و روم سومین زیارتگاه مسیحیان و قبله ی حاجات آنان شد. به این جهت این مکان در برانگیختن احساسات پیروان مسیح و ضد مسلمانان اسپانیا سخت موثر بود (دورانت، ۱۹۹۹، ۱۸۸). بعد از تصرف طلیطله (تولدو)، توان و نیروهای آلفونسو گسترش یافت. آلفونسو به سمت سرزمین های دیگر مسلمانان طمع کرد. او حاکم قرطبه (کوردوبا) را تهدید کرد که به شهر قرطبه (کوردوبا) حمله خواهد کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ۶۰۳۹/۱۴). بازپس گیری طلیطله این امکان را فراهم کرد تا مسیحیان بتوانند با تکرار همان الگو به پیشرفت در مناطق دیگر اندلس پردازند.

۵. شکل گیری مطالعات اسلامی

رشد و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی علاوه بر نگرانی برای کلیسا از این جهت، تحقیرآمیز هم بود. دانشمندان مسیحی در اکثر موارد همان کشیش ها و راهبان مسیحی بودند، که از ابتدا راه چاره را جستجو می کردند. بعضی به جنبش های اعتراض آمیز روی آوردند و برخی برای آموختن زبان عربی و شناخت مفاهیم اسلامی به سرزمین های اسلامی سفر کردند. در مسیحیت سازمان که در اصطلاح عام، همان رهبری است، کلیسای مسیحی بود که نیرومندترین تشکیلات عالم شد. عاملی که به این رهبری قدرت می بخشید، آموزش و پرورش بود که در اختیار دیانت مسیحی قرار داشت. این سازمان یگانه عهده دار علم و آموزش و پرورش بوده است. تا زمانی که دانشگاه ها در سال های پایانی قرن دوازدهم میلادی به وجود آمدند، کلیسا در حقیقت محرکی بود برای گسترش دانش. ساختار کلیسایی نیز به شکلی در تمام اروپا گسترده شده بود که هر جا بسته به شرایط جغرافیایی و محیطی و تراکم جمعیت، بتواند مسیحیت را اداره نماید. این تقسیم بندی ها ارتباط کشیشان را با پاپ میسر می ساخت (کلگ، ۱۳۹۲، ۲۳). این دو عامل

۳۵. SAINT JAMES THE GREAT

یعنی قدرت و آموزش سبب شد تا در قرن دهم میلادی تربیت کشیشان، به عنوان یک برنامه ی مستحکم به صورت اجرایی درآید (برمی، ۱۳۸۰، ۷۵).

ژربرت اوریلاک^{۳۶} (۱۰۰۳-۹۴۶م) یکی از کشیشان بود که به قصد زیارت به شمال اسپانیا سفر کرد. در سال ۹۶۰م برای تحصیل عربی و علم ریاضی به قرطبه رفت. ریاضی را در قتلونیه^{۳۷} نزد دانشمندان عرب آموخت. بعد به مدرسه ای در رنس در شمال فرانسه رفت. او اسقف رنس و سر اسقف راونا شد و سرانجام به عنوان سیلواستر دوم به مقام پاپی رسید. او یکی از پیشگامان تماس فکری میان جهان اسلام و دنیای مسیحیت لاتین بود و در تثبیت و ترویج آموزش زبان عربی نقش موثری داشت (لیندبرگ، ۱۳۷۷، ۲۵۶).

پیتر مقدس^{۳۸} (۱۱۵۶-۱۰۹۲م) یکی از تاثیر گذارترین راهبان مسیحی در امر مطالعات اسلامی بود. او در ۲۸ سالگی به عنوان ریاست دیر کلونی در (۵۱۶هـ/ ۱۱۲۲م) انتخاب شد. پیتر کلونی را برای سفر به اسپانیا ترک کرد. این اولین دیدار او از اسپانیا بود. هدف پیتر در نگاه اول، زیارت شنت یاقب در سانتیاگو بود. با توجه به ماهیت دیرکلونی این دلیل برای سفر طولانی پیتر قانع کننده نیست. او از شرایط جنگ‌های صلیبی راضی نبود، همچنین نسبت به گزارش های غلط نسبت به حضرت پیامبر اعظم (ص) و کشتار مسلمانان انتقاد داشت. آن چه در نظر داشت مطالعه‌ی اسلام به منظور تبدیل دین مسلمانان بود. (Keritzek, ۱۹۶۴، ۲۲). او که اسلام را بدعتی در دین مسیح می دانست، تلاش کرد تا برای فعالیت های خود در زمینه ی ترجمه به منظور آشنایی با اسلام، توجیهی بیابد که مورد قبول هم کیشان مسیحی اش قرار گیرد. این سفر ها سبب شد تا او به لزوم آشنایی با افکار اسلامی پی برد. او به جهت مسائل دینی به ترجمه ی قران روی آورد (سارتن، ۱۳۸۳، ۹۱۹/۱، بل، ۲۵۹). هدف اصلی پیتر مطالعه در باره ی اسلام بود. گرچه در این زمان، امپراتوری اسلام تکه تکه و به وسیله ی امپراتوری روم و اروپای جنوبی محاصره شده بود. (Kritzec, ۱۹۶۴، ۱۲)

GERBERT OF AURILLAC^{۳۶}

CATALONIA^{۳۷}

PETER THE VENERABLE^{۳۸}

خووان سگوویایی^{۳۹} یکی دیگر از کشیشانی بود که ترجمه ای از قرآن نوشت و مقصودش آن بود تا بحث را به مسائل اساسی بکشد و از مسائل غیر مهم مثل رفتار، روش و اخلاق شخصی پیامبر چشم ببوشد. او معتقد بود که اختلاف بین اسلام و مسیحیت را با جنگ نمی توان فیصله داد. به اعتقاد او جنگ از خصایص اسلام است که از راه فتوح در جهان گسترش یافته و این برخلاف جوهر مسیحیت است. پس تنها از راه صلح و مسالمت می توان پیشرفت حاصل کرد. او معتقد بود، مبلغان مسیحی فقط در سرزمینی می توانند وعظ و تبلیغ کنند که از دست مسلمانان خارج شده باشد و آن مستلزم جنگ است. او همچنین معتقد بود برای ارتباط بین دو دین باید مباحثه و مناظره انجام شود. برای اجرای این نظریه باید اطلاعات کافی بدست آورد و سندهای محکمی جمع آوری کرد (مینوی، بی تا، ۳۷).

بازپس گیری شهر هایی مانند طلیطله (تولدو) و دست یافتن به مکان های مقدس مانند شنت یاقب، احساسات دینی را نیز در میان مسیحیان برجسته نمود. از این پس مسیحیان با سرعت و قدرت بیشتری به دنبال استرداد اراضی اندلس بودند. پس از فتح طلیطله (تولدو) پایتخت اسپانیا به آن جا منتقل شد و باز مرکز اصلی کلیسای اسپانیا شد. کلیسا کنترل شهر را به عهده گرفت.

اسقف برنارد فرانسوی^{۴۰} (۱۱۲۵-۱۰۵۰م) رئیس دیر ساهاگون، راهب کلونی، به دنبال اهداف اصلاحات عازم اسپانیا شد و به وسیله ی آلفونسوی ششم بلافاصله بعد از بازپس گیری طلیطله در سال ۱۰۸۵م به عنوان اسقف اعظم نامگذاری شد. اولین اقدام این اسقف تعرض به مسجد جامع طلیطله (تولدو) و تصرف اجباری آن بود (عنان، ۱۳۸۰، ۴/۲). بعد از تصرف مسجد طلیطله (تولدو)، کتابخانه ی آن که پس از فتح، به دست اسپانیایی ها افتاد، محل مراجعه ی عموم طلاب و دانشجویان گشت و ترجمه ی عربی کتاب ارسطو در اسپانیا یکی از منابع بزرگ فلسفه ی قدیم محسوب می شد، مورد توجه قرار گرفت (آرنولد و گیوم، بی تا، ۱۴). بر

JUAN OF SEGOVIA^{۳۹}

BISHOP BERNARD^{۴۰}

نیمکت این دانشگاه ها عرب، اسپانیولی، مسلمان و مسیحی کنار یکدیگر می نشستند و هنگام بازگشت به کشور های خود مطالب مفیدی را که آموخته بودند، منتشر می کردند و یا خود مکاتب و مدارس جدیدی باز می کردند (روسو، بی تا، ۱۳۸). تقویت جهان مسیحی در برابر اسلام به وسیله ی موجی از تغییرات سیاسی، جنگ و جریان های ظاهرا متناقض مذهبی شکل گرفت. رساله هایی نوشته شد که نویسندگان آن از متن های شان برای وفاداری مذهبی خود و تثبیت و تقویت جوامع مسیحی استفاده می کردند. در این متن ها که به طور فزاینده ای مسیحی بود، از اسلام به عنوان مانعی در برابر مسیحیت یاد می شد (Tiszen, ۲۰۱۳, ۱۶۹). قرآن، زندگی حضرت محمد(ص)، تاریخ جهان از دیدگاه اسلام از زمان خلقت تا زمان حضرت پیامبر، شرحی درباره ی زندگی خلفا و مناظره ی میان یک مسلمان و یک مسیحی از جمله مسائل حائز اهمیت برای مسیحیان بود. همه ی توجه جهان مسیحیت در شناخت شخصیت پیامبر اسلام متمرکز بود. نخستین مورخ بیزانسی که به پیامبر توجه کرد، ثئوفان معترف^{۴۱} (۲۰۷ق، ۸۱۷م) بود که نوشته هایش بسیار مورد استفاده نویسندگان بعد قرار گرفت (گرونیوم، ۱۳۷۳، ۴۳).

۶. فعالیت کلیسای مسیحی در تثبیت مطالعات اسلامی

جامعه مسیحیان و مسلمانان در تقابل با هم پس از آغاز حرکت بازپس گیری از سوی مسیحیان به جامعه ای تبدیل شده بود که مسیحیان شمال را به شناخت هر چه بیشتر از اسلام تحریض می کرد. لزوم این شناخت برای دست یابی به نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف هر روز بیشتر احساس می شد. مرکز ترجمه در اسپانیا، طلیطله بود. این امر کاملا طبیعی بود. پایتخت قدیمی ویزگوت ها، پس از نزدیک چهار سده (۱۰۸۵-۷۱۲م) بار دیگر در دست مسیحیان قرار داشت. آن جا آثار عربی فراوانی یافت می شد. مهم تر این که تعداد زیادی از جمعیت از جمله یهودیان، مسیحیان، مسلمانان، مستعربان و مدجنان از عربی مانند زبان خودشان استفاده می کردند و به عنوان مترجم در نظر گرفته شدند. مدارس مترجمان به دست مسیحیان در سال ۴۷۸ / ۱۰۸۵ در

^{۴۱} THEOPHANES THE CONFESSOR

این شهر تاسیس شد. موسسان این مدارس عبارت بودند از: پادشاهان و اسقف های اعظم مسیحی از قبیل اسقف ریموند و رودریگو دورادا^{۴۲} و پادشاه قشتاله و لیون، آلفونسوی دهم، ملقب به دانا. اولین گروه از کسانی که شروع به ترجمه ی آثار عربی کردند، کشیشان بودند. گرچه کار ترجمه ی آثار عربی به زبان لاتین در قرن نهم میلادی آغاز گردیده است. اولین محقق قابل اعتنایی که علوم اعراب را مورد توجه قرار داد، ژریرت اوریلاک^{۴۳} (-۹۴۶م) بود و به علوم نیز علاقه ی زیادی داشت (وات، ۱۳۶۱، ۱۰۹). او که خود در قرطبه دانش آموخته بود، در بازگشت از اسپانیا مقداری رسائل نجومی با خود همراه آورد. این تماس های اولیه باعث شد که یک ابزار نجومی جامع، یعنی اسطرلاب به جهان مسیحیت آورده شود (لیندبرگ، ۱۳۷۷، ۳۶۲).

اسقف اعظم طلیطله، ریموند^{۴۴} (۱۱۲۶م-۱۱۵۱م) که ضمنا منصب صدارت عظمای قشتاله^{۴۵} را هم به عهده داشت، دانشمندان مختلفی را در این شهر گردآورد و به آنها دستور داد به ترجمه بپردازند. او محلی را به مترجمان اختصاص داد. (لی، ۱۳۷۱ : ۵۰۹). شخص ریموند در تاریخ یکی از مروجان فعالیت ترجمه در طلیطله محسوب می شود. دانش عربی او بسیار زیاد بوده و می توانست به زبان رومی هم حرف بزند (Serrano paton, ۲۰۱۵, ۱۲۷).

یکی از مهم ترین مترجمان که زیر نظر اسقف ریموند فعالیت می کرد، ژرارد کرمونا^{۴۶} (۱۱۸۷-۱۱۱۴م) بود که چون آثار فراوانی را که به زبان عربی نوشته شده بود، در شهر طلیطله دید و در عین حال از کمبود آثار علمی در زبان لاتین نیز آگاه گردید، زبان عربی را آموخت و شروع به ترجمه ی آثار آنان کرد. او باقیمانده ی عمر خود را به ترجمه های لاتین از

او در سال ۱۲۰۷م به عنوان اسقف طلیطله انتخاب^{۴۲} Rodrigo Jiménez de Rada شد.

GERBERT URLIAC^{۴۳}

RAIMUNDO^{۴۴}

GALICIA^{۴۵}

GERARD DE CREMON^{۴۶}

ادبیات علمی -عربی اختصاص داد. یکصد ترجمه به او نسبت داده شده است (روسو، بی تا، ۱۳۹). او همچنین دو تن از برجسته ترین مترجمان یعنی دومینیک گونديسالوی^{۴۷} (۱۱۱۵-۱۱۹۰م) و جان سیویلی که هر دو یقیناً افراد متمایزی هستند، را به عنوان دستیاران عربی خود به خدمت گرفت. (وات، ۱۳۶۱، ۱۱۱). گونديسالو اولین مدیر مدرسه ی مترجمان بودمعاون اسقف شهری وابسته به طلیطله است و نامش در پرونده ی کاتدرال در ۱۱۸۱م ظاهر شده است. بدون شک رایموند، اسقفی علاقه مند به حمایت از نهضت ترجمه بوده است (Samso,2015,120).

آدلار بائی^{۴۸} (۱۰۸۰-۱۱۵۲) یکی از بزرگ ترین علمایی بود که به اسپانیا سفر کرد. او شنید که یادگیری عربی بر علوم ریاضی متمرکز شده است و امکان این مطالعات در طلیطله مهیاست. او به آن جا شتافت و با بزرگترین مترجمین علوم و فلسفه ی عربی، جرارد کرامونا و همکارش گالیکوس دیدار کرد. این به او اجازه داد تا کتابی در مورد چگونگی کارکرد جهان «طبیعت آسمان ها و زمین» بنویسد که در آن خوانندگان خویش را به پذیرش نظرات ساده و واضح اعراب، نه اظهار نظرهای مبهم دانشمندان لاتین، تشویق کرده بود (Burnett,2010,12).

پیتر گالگو^{۴۹} که یک مترجم عربی به لاتین و کشیش اعتراف نیوش آلفونسوی دهم پیش از بر تخت نشستن او بود، یک راهب فرانسیسی اسپانیایی بود. او کتاب اصناف الحیوان ارسطو را از روی یک اختصار عربی به لاتین ترجمه کرد (سارتن، ۱۳۸۳، ۱۴۱۶/۲). بی شک این زنجیره ی به هم پیوسته از اسقف ها و راهبان و مترجمان نشان دهنده ی نقش اهداف تبشیری و تبلیغی در شکل گیری مطالعات اسلامی است.

GUNISSALINUS^{۴۷}

ADELARD OF BATH^{۴۸}

PETER GALLGO^{۴۹}

هوگ سانتالا^{۵۰} آثار علمی اسلامی را به نام اسقف ترازونا^{۵۱} (۱۱۵۰-۱۱۱۹م) شهر کوچکی در غرب ساراگوسا ترجمه کرد. کتاب های المنصوری رازی، بزرگ ترین رساله جراحی اسلامی (کتاب التصریف ابولقاسم زهراوی) و دایره المعارف طبى ابن سینا (قانون) که قرن ها برای پزشکان نوعی کتاب آسمانی به شمار می رفت، توسط جرارد و گروهش ترجمه شد. (سارتن، ۱۳۸۳، ۸۶۲/۲).

نقطه ی عطف فعالیت های ترجمه که منجر به شکل گیری مجموعه ی تولدو گشت، به وسیله ی پیتر مقدس برنامه ریزی شد. در زمان بازدید پیتر از مدرسه، هنوز در اوایل کار خود بود اما بزودی فعالیت آن با ترجمه ی مجموعه ی تولدو تثبیت شد (Keritzek, ۱۹۶۴, ۵۴). مجموعه ی تولدو نمونه ای از همکاری مترجمان در طلیطله (تولدو) است. در آن جا یک تقسیم بندی بین فعالیت ها مشاهده می شد. یکی از این تقسیم بندی ها فعالیت ترجمه ی جرارد با گونديسالو است. یکی به آثار یونانی و مفسران عربی آن ها علاقه داشت و دیگری به روش فلسفی و موضوع خواندن دانشمندان معاصر یونانی (Burnett, ۲۰۰۱, ۲۶۹). هرمان کاریتینیا^{۵۲} (۱۱۶۰-۱۱۰۰م) یکی از اعضای گروه پیتر مقدس بود که به خاطر ترجمه اش از مقدمه ی ابومشعر و کار اصلی اش *De Essentiis* برجسته شد. او با رابرت کتون همکاری می کرد. آن ها بسیاری از آثار یکدیگر را مطالعه می کردند، گرچه ترجمه ی آن ها به صورت جداگانه صورت گرفته است. (Burnett, ۲۰۱۴, ۱۰۰)

دو نفر از محققان ماوراء پیرنه در کنار ترجمه بعضی از آثار الهی پیتر مقدس دست به ترجمه ی آثار نجومی و علم کائنات زدند. این محققان، هرمان *دالماتیا*^{۵۳} و یک نفر انگلیسی بنام رابرت کتون^{۵۴} بودند. این دو اثر و نیز مجموعه ی ترجمه هایی که برای پیتر مقدس انجام شده

HUGH OF SANTALL^{۵۰}

TARAZONA^{۵۱}

. HERMAN OF CARINTHIA^{۵۲}

HERMANN-DALMATIA^{۵۳}

ROBERT KETTON^{۵۴}

بود، از تمام آثار ترجمه شده توسط هرمان، تنها جداول خوارزمی شناخته شده اند که نسخه های خطی آن در آکسفورد موجود است. رویهمرفته مجموعه ی تولدوئی و یا مجموعه ی کلونیاک اولین اثر محققانه درباره اسلام به زبان لاتین است (وات، ۱۳۶۱، ۱۲۵).

رامون لول^{۵۵} (۱۳۱۵-۱۲۳۲): یکی از بزرگ ترین عربی دانان این عصر و تمام قرون وسطی به شمار است. لول، رساله های متعددی به چندین زبان و بیشتر، کاتالونیایی نوشت. لول واقعا یک مترجم نبود بلکه باید بر نقش او به خاطر فعالیت همه عمرش در راه ترویج معارف عربی، تاکید کرد. او خود عالم عربی خارق العاده ای بود. حتی بعضی آثارش را به زبان عربی نوشت (سارتن، ۱۳۸۳، ۱۵۷۸/۲).

در ربع اول قرن ۱۳م با ایجاد دو فرقه ی بسیار بزرگ رهبانی روند به کارگیری آموزش آغاز شد. این فرقه ها نقش بسیار مهمی در تاریخ ایفا کردند و افراد زیادی از آن ها در رشد فلسفه و علم سهمیم بودند. فرقه فرانسیسی^{۵۶} در ۱۲۱۰م و فرقه ی واعظان^{۵۷} (دومینیک ها) در ۱۲۱۵م تاسیس شد. آنان خیلی زود دریافتند که بدون در دست گرفتن آموزش و پرورش رهبران، نجات مسیحیت میسر نیست. از این رو کوشیدند کرسی های استادی دانشگاه ها را به ویژه در پاریس به دست آورند. آنان در پاریس مستقر شدند و در حدود ۱۲۲۴م به انگلستان راه یافتند و در آن جا نفوذ کردند (سارتن، ۱۳۸۳، ۱۳۹۷/۲). مهم ترین هدف فرقه ی دومینیک تبلیغ آموزش انجیل در میان کافران و مرتدان بود. با در نظر گرفتن هدف آن ها بدیهی است که دومینیک ها در رشد دانشگاه های قرون وسطی و تنظیم اصول فلسفه ی مسیحی نقش مهمی ایفا کردند. آن ها در سال ۱۲۱۷م در پاریس مستقر شدند و خیلی زود سعی کردند کرسی الهیات را به دست بیاورند (سارتن، ۱۳۸۳، ۱۳۹۸/۲).

در قرن ۱۴ میلادی در زمانی که بر قسمت های مختلف اروپا جنگ ها و تشتت آرا حاکم بود، قدرت و فرهنگ اسلامی بر بخش پهناوری از دنیای شناخته شده ی آن زمان گسترش

RAMON LIULL^{۵۵}

FRANCISCAN^{۵۶}

PREACHERS^{۵۷}

یافته بود، افرادی مانند ژاک دوئیز^{۵۱} (۱۳۳۴-۱۲۴۴م) با قدرت کامل به اداره ی امور کلیسا مرکزیت بخشیدند. بیشتر اوقات او صروف جنگ با ملحدان شد، که فرانسویان افراطی معرف آن بودند، او از دانشگاه های بسیاری حمایت کرد و کار پیشینیانش را در زمینه ی آموزش زبان های شرقی تقویت و دنبال کرد (سارتن، ۱۳۸۳، ۲۰۳۹/۳).

در قرن هفدهم یک کرسی زبان عربی در آکسفورد باز هم به وسیله ی لاد اسقف اعظم ایجاد شد. هدف، مطالعه ی آثار عربی برای فهم متون کتاب مقدس مسلمانان و گفتگو با مسلمانان بود. وی علاوه بر ایجاد کرسی عربی در انگلستان، فرمان نامه ای را صادر کرد که باید هر یک از کشتی های کمپانی لوانت که از شرق بر می گردند یک نسخه خطی از آثار فارسی یا عربی همراه خود بیاورند. این اساس مجموعه ی خطی اسلامی را تشکیل داد و آکسفورد را به بزرگ ترین مرکز پژوهش عربی تبدیل کرد و بزرگ ترین کتابخانه در خدمت کلیسا قرار گرفت (رومن، ۱۳۸۲، ۱۲).

۷. نتیجه گیری

سرعت گسترش فرهنگ اسلامی در اندلس، ارباب کلیسا را غافلگیر کرد. سیاست تساهل به همراه رشد اقتصادی و تسامح مذهبی، عواملی بود که در اسپانیای اسلامی، بازخورد چشمگیری داشت. مستعربان، مسیحیانی که به عربی صحبت می کردند، به مدارس اسلامی می رفتند و در اعیاد و مجالس مسلمانان شرکت می کردند، در همه ی اندلس حضور چشمگیری داشتند. تعداد مولدان، فرزندان کسانی که پدر یا مادر مسلمان داشتند، رو به افزایش بود. این موضوع مسیحیت را به طور جدی در مقابل اسلام قرار داد. پیام جنگ های بازپس گیری در اندلس برای مسیحیت ابن بود که توفیق در شکست مسلمانان با نیروی نظامی، کند و گاهی ناممکن است و آن چه می تواند مسیحیت را به هدف برساند، جنگ فکری و فرهنگی است و کلیسا برای غلبه بر دین مسلمانان باید بر معارف اسلامی آشنایی می یافت و برای آن باید کتاب مسلمانان را می شناخت.

بدیهی بود که اولین راه آموختن زبان عربی و سپس شناخت معارف اسلام، به عنوان یک آیین جدید و در حال گسترش بود. از آن جا که در قرون وسطی، آموزش فقط در اختیار کلیسا بود، کلیسا با در نظر گرفتن سیاست هایی خاص، بر امر آموزش تاکید کرد. ابتدا با استفاده از سیاست آسان گیری خلفای مسلمان، تعداد زیادی از کشیش ها در مدارس و مجالس علمی مسلمانان مشغول تحصیل شدند. تعدادی از آن ها با حضور در دربار خلفا صاحب منصب شدند و تعدادی نیز با آموختن زبان عربی، به کتابخانه های اسلامی راه یافتند. آن چه این هدف را تقویت می کرد، نظر محققان بود که عقیده داشتند که جنگ و کشتار موجب انتشار مسیحیت نمی شود و این از طریق وعظ و تبلیغ میسر است و برای وعظ و تبلیغ هم باید وسایل کار در دست داشت که مهم ترین آن آشنایی به زبان و عقاید مردمان است. مسیحیت احتیاج به عاملی داشت که بتواند با یک جنبش همگانی به اهداف خود دست یابد. آن چه توانست مسیحیت را مجهز کند، استفاده از امر زیارت برای تحریک مسیحیان برای حفظ و پاسداشت مقدسات دین و سپس جنبش بازپس گیری برای دستیابی به گنجینه های علمی مسلمانان و راندن آن ها از اسپانیای اسلامی بود. با دخالت پاپ ها و کلیسا جنگ های بین مسلمانان و مسیحیان به صورت جنگ های مقدس و صلیب درآمد. این جنگ ها به علت آن که مسیحیان جهت خشنودی خدا می توانستند اسلحه به دست بگیرند، جنگ های مقدس نامیده شد. راهبان کلونی بازگشودن سرزمین های از دست رفته ی اسپانیا را جهاد خواندند و اعلام کردند گناه همه ی کسانی که در اسپانیا در راه صلیب می جنگند، بخشوده خواهد شد. جنگ های صلیب و روی آوردن به شناخت اسلام، هر دو، به عنوان اقدامات تهاجمی بر ضد تمدن اسلامی به شمار رفت. پس از فتح طلیطله، اولین گروه های ترجمه با هدایت و مدیریت کشیش ها، اسقف ها و کاردینال های مسیحی شکل گرفت. این گروه مدرسه ی تولدو را که انقلابی کامل در زمینه ی علوم بود، ایجاد کردند. هدف، شناخت اسلام و هدایت بی دینان به راه راست بود. جنگ های خونین در اسپانیا مانع نشد تا هزاران محقق مسیحی به دانشگاه های بزرگ قرطبه، اشبیلیه و طلیطله روی آورند. این سبب شکل گیری گروه های ترجمه در تولدو گردید. یکی از این گروه ها، مجموعه ی تولدو

بود که با کمک پیتر مقدس شروع به کار کرد و بسیاری از مترجمان در آن مشغول به فعالیت شدند. ترجمه ی قران یکی از مهم ترین فعالیت های این گروه بود که در کنار آثار دیگر عربی- علمی مسیحیان را به سمت مطالعات دینی پیش برد. بازگشت دانشمندان، نویسندگان و مترجمان به سرزمین های اصلی خودشان، سبب شد تا موج آموزش و توجه به کتاب های عربی به سرتاسر اروپا انتقال یابد. از زمان ظهور اسلام در اندلس و حتی قبل از آن در سوریه و شام، کشیشان مسیحی برای متوقف کردن این فرهنگ رو به گسترش منسجم شدند. در قرن های اولیه ی آغاز مطالعات بر روی اسلام، تمام شخصیت های اصلی در امر فراگیری و ترجمه ی متون یا کشیش هستند و یا به فرمان پاپ یا اسقف مشغول به کار شده اند. این حرکت که از قرن هشتم میلادی آغاز شد و زمینه ی شناخت مسیحیان از مسلمانان را با نگاه اغلب مغرضانه ی خودشان فراهم کرد. در قرن های بعد با ایجاد کرسی های زبان عربی در دانشگاه های مهم اروپا، مطالعات اسلامی به منزله ی یک راه حل در جهت انگیزه های دینی و سیاسی به کار گرفته شد.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، ۱۳۸۴، تاریخ کامل، ترجمه سید حسین روحانی، چاپ سوم، تهران، اساطیر.
۲. ابن حوقل، ۱۹۸۳، صوره الارض، چاپ دوم، بیروت، دار صادر.
۳. ابن حیان، ۱۹۷۳، المقتبس من انباء اهل الاندلس، محقق، محمود علی مکی، قاهره.
۴. ابن عبدالحکم، عبدالرحمن، ۱۹۲۰، فتوح مصر و اخبارها، لیدن، بریل.
۵. ابن عذاری مراکش، ۱۹۸۰، البیان المغرب فی اخبار الاندلس والمغرب، محقق، لوویپروونسال، بیروت، دارالتقافه.
۶. ابن قوطیه، محمد بن عمر، ۱۳۷۸، تاریخ فتح اندلس، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، مشهد، مرکز پژوهش های آستان قدس رضوی.
۷. ابوالفداء، ۱۹۹۹، المختصر فی اخبار البشر، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۸. آرنولد، سرتوماس و گیوم، آلفرد، ۱۳۷۸، میراث اسلام، ترجمه مصطفی علم، تهران، کتابفروشی مهر.
۹. برمیه، امیل، ۱۳۸۰، تاریخ فلسفه ی قرون وسطی و دوره ی تجدد، ترجمه یحیی مهدوی، چاپ دوم، تهران، خوارزمی.
۱۰. بولیت، ریچارد، ۱۳۸۶، پیوند اسلام و مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۱. ترنر، برایان، ۱۳۸۱، شرقشناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه غلامرضا کیانی، تهران، فرهنگ گفتمان.
۱۲. جیوسی، سلمی خضراء، ۱۳۸۰، میراث اسپانیای مسلمان، ترجمه عبدالله عظمایی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. حورانی، آبرت، ۱۳۸۷، اسلام در تفکر اروپایی، ترجمه حمید نساج و همکاران. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۴. حتی، فیلیپ خوری، ۱۳۸۰، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران. علمی فرهنگی.
۱۵. دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۷۸، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران، علمی فرهنگی.
۱۶. ذنون طه، عبدالواحد، ۱۳۹۱، کندوکاوی در تاریخ و تمدن اندلس، ترجمه حجت رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. رانسیمان، استیون، ۱۳۶۰، تاریخ جنگ های صلیبی، ۱۳۶۰، ترجمه منوچهر کاشف، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. روسو، پیر، بی تا، کتاب تاریخ علوم، ترجمه حسن صفاری، تهران، امیرکبیر.
۱۹. رومن، استفان، ۱۳۸۲، تکوین مجموعه های اسلامی در کتابخانه های اروپای غربی و آمریکای شمالی، ترجمه زهرا ابادری، تهران، سمت.

۲۰. زقزوق، محمود محمد، ۱۳۹۲، شرقشناسی و پیشینه ی فکری بر خورده تمدنها، ترجمه سید مصطفی زارعی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۱. سارتن، جورج، ۱۳۸۳، مقدمه ای بر تاریخ علم، ترجمه غلام حسین صدری افشار، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۲. سعید، ادوراد، ۱۳۸۹، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.
۲۳. عنان، محمد عبدالله، ۱۳۸۰، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمدآیتی، چاپ دوم، تهران، کیهان.
۲۴. کانسهوف، فرانسوا ال، ۱۳۷۱، تاریخ روابط بین الملل در قرون وسطی، ترجمه قاسم صفوی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۲۵. کلک، جاستین، ۱۳۹۲، سیمای کلیسا در قرون وسطی، ترجمه روح اله امانی فر، تهران، کویر.
۲۶. گرونباوم، فن گوستاو، ۱۳۷۳، اسلام در قرون وسطی، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، البرز.
۲۷. لوکاس، هنری، ۱۳۶۶، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، موسسه کیهان.
۲۸. لوگوف، ژاک، ۱۳۷۶، اروپا مولود قرون وسطی، ترجمه بهالالدین بازرگانی گیلانی، تهران، کویر.
۲۹. لیندبرگ، دیویدسی، ۱۳۷۷، سرآغازهای علم در غرب، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۰. مراکشی، عبدالواحد، ۲۰۰۶، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، بیروت، مکتب العصریه.
۳۱. مقری تلمسانی، محمد، ۱۹۶۸، نفع الطیب فی غصن الاندلس الرطیب، بیروت، دارصادر.

۳۲. مینوی، مجتبی، بی تا، تاریخ و فرهنگ، تهران، خوارزمی.
۳۳. نعنعی، عبدالمجید، ۱۳۹۰، دولت امویان در اندلس، ترجمه محمد سپهری، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۴. وات. مونتگومری، ۱۳۶۱، تاثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
۱. Burnett, Charles, (۲۰۰۱), "THE Coherence of the Arabic-Latin Translation Program in Toledo in the Twelfth Century", Science in context, ۱۴,pp, ۲۴۹-۲۸۸. www.journals.cambridge.org
۲. Burnett, Charles, (۲۰۱۰), "THE Transfer of Science between India, Europe and China via Muslim Heritage", Proceedings of the conference ۱۰۰۱ inventions, www.Muslimheritage.com
۳. Burnett, Charles, ۲۰۱۴. "Arabic in to Latin in ۱۲th century Spain, The works of Hermann of Carinthia", pp ۱۰۰-۱۳۴, www.Muslimheritage.com
۴. Carl W. Ernest & Richard C. Martin. ۲۰۱۷. "TOWARD a Post Orientalists Approach to Islamic Religious Studies". www.sc.edu
۵. Cell
۶. Dozy, Reinhart, (۱۹۱۳), Spanish Islam. London, Chatto & Windus. www.Arshive.Org
۷. Glick, Thomas, (۲۰۰۵), Islamic and Christian Spain in the Early Middle Age, ۱ED, Priceton university press, ISBN, ۹۷۸-۹۰-۰۰۴-۱۴۷۷۱-۳. www.researchgate.net
۸. Hillenbrand
۹. Holilovic, Safvet, (۲۰۱۷), "Islamic Civilization Spain-A magnificent example of interaction and unity of religion and science", *Urope PMC*, PMID, ۲۸۴۶۸۰۲۳, www.hdbp.org
۱۰. Kritzec, James, (۱۹۶۴), Peter the venerable and Islam, Newjersey, Priceton university Press.
۱۱. Samsó, Julio, ۲۰۱۵. "Al Andalus, a bridge between Arabic and European Science", The Royal Asiatic Society, pp ۶۲-۱۰۸, University of Barcelona.
۱۲. Serranopaton

۱۳. Tieszen, Charles, (۲۰۱۳), “Identity amid Islam in medieval Spain”, Brill, Studies on the children of Abraham, VOL, ۳. www.Brill.com

۱۴. Tolan